

عنوان مقاله:

بررسی و نقد مبانی معرفتی مکتب پدیدارشناسی با تأکید بر علم جغرافیا

محل انتشار:

پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره 51، شماره 2 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

محمود واثق - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

احد محمدی - دانشآموخته دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

جواد حشمتی - دانشآموخته دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

پدیدارشناسی یکی از مکاتب مهم فلسفی در حوزه های مختلف علمی به ویژه در علوم انسانی، جغرافیا و خاصه در جغرافیای انسانی است. این رویکرد در پی درک و شهود مستقیم و بدون واسطه اشیا و پدیده هاست و برای این منظور، به نفی فرضیه ها، مقولات و پیش فرض ها می پردازد؛ بنابراین از این منظر، پدیدارشناسی رویکردی واقع گرایانه و بلکه تجربی به واقعیات محسوب می شود و نوعی نگرش پوزیتیویستی، البته با محتوا و روشی متفاوت با پوزیتیویسم سنتی، به حساب می آید. بنابراین، برحسب ظاهر، این سنت فلسفی و علمی را باید در زمره دیدگاه واقع گرایی قرار داد؛ لیکن به دلیل وجود رگه های بارزی از اصالت معنا، به ویژه تعلیق واقعیات جهان خارج و حتی حذف آن به مثابه موجودیتی مستقل از ذهن و تأکید کامل بر ماهیت پدیداری واقعیات و سرانجام به دلیل اتکا بر شیوه تجربه شهودی، به رغم برخی خصیصه های واقع گرایی، این رویکرد را باید در ردیف دیدگاه های ایدئالیستی طبقه بندی کرد. لیکن با وجود جنبه مثبت این رویکرد، یعنی تجربه زنده و بی واسطه اشیا و پدیده ها، این رویکرد دچار برخی نارسایی های معرفت شناختی است که امکان به کارگیری آن را به مثابه رهیافت علمی در حوزه دانش جغرافیا با مشکلات جدی مواجه می کند و از این رو، فاقد قابلیت های لازم برای استفاده در حوزه پژوهش های رشته های علوم اجتماعی و از جمله جغرافیا به مثابه رویکرد و روشی «علمی» است. هدف اصلی این مقاله که با رویکردی واقع گرایانه با نگرش عقلانیت انتقادی به نگارش درآمده، بررسی و واکاوی این مطلب از منظر تحلیل های منطقی و معرفت شناختی است.

کلمات کلیدی:

پدیدارشناسی، تحلیل معرفت شناختی، تعلیق، جغرافیا، شهود

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1153409>

